



ممنوعیت تردد شبانه لغو شود



بر اساس گزارش شرکت کنترل کیفیت هوای تهران شاخص آلودگی هوای پایتخت روز گذشته به ۱۷۳ رسید

در هوای بی قرارم

مهدی چمران در گفت و گو با «وطن امروز»:

عدم توسعه شبکه حمل و نقل عمومی توسط دولت دوازدهم
از عوامل تشدید آلودگی هوای تهران است

سال ۷،۹۶ هزار اتوبوس در تهران خدمت رسانی می کردند
این آمار اکنون به ۲۲۰۰ دستگاه رسیده است!
طی ۴ سال گذشته ورودی واگن در مترو نداشته ایم



کس علی حدادی/اسپلایر

تیتراهای امروز

طی یک هفته گذشته ۶ نفر از نیروهای ناچا در درگیری با اشراک مسلح به شهادت رسیدند

مدافعان گمنام امنیت



مسیر ساماندهی صنعت خودروسازی از راه واردات می گذرد یا توسعه توان شرکت های داخلی؟

سیاه و سفید واردات خودرو

کند شدن روند افزایش نرخ تورم و قیمت طلا و ارز در نیمه اول سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل

ترک چاپ پول جواب داد

توقف استقراض تورم زای دولت از بانک مرکزی با شروع به کار دولت سیزدهم

نیویورکی ها در اعتراض به تبرئه قاتل نژادپرست دست به تظاهرات زدند

سیلی بی عدالتی به ملت آمریکا

دستگاه قضایی آمریکا قاتل ۲ معترض به نژادپرستی در شهر کنوشا را تبرئه کرد

نگاه

چرا سوزهای مهم در آثار کم کیفیت حیف می شوند؟

عباس اسماعیل گل: در



گفت و گوهای فرهنگی کم پیش نمی آید که در توضیح وضعیت برخی محصولات هنری و فرهنگی از تعبیر «حیف کردن سوز» استفاده شود. واقعیتش این است آثاری که سوزهای مهم را حیف می کنند نیز کم نیستند. اما چرا این اتفاق می افتد؟ چرا درباره برخی تولیدات فرهنگی براحتی می توان از «حیف شدن» صحبت کرد؟ این تولیدات چه ویژگی هایی ندارند که باید داشته باشند یا فاقد چه مؤلفه هایی هستند که اگر داشتند دیگر حیف نمی شدند؟

پاسخ به این سوال شاید در این مجال نتواند اما می توان در این باره چند تذکر داشت. بخش هر شیبی سریال که از مقطعی در اواخر دهه ۸۰ به روال شبکه های سیما تبدیل شد، به فرآیند تولید سریال ها سرعت داد؛ این افزایش سرعت در تولید اما در عمده موارد با افزایش کیفیت همراه نبود. حتی کیفیت در همان سطح سابق هم باقی نماند و رفته رفته کیفیت سریال ها کاهش یافت. سپس سریال شبانه معنای متفاوتی پیدا کرده آنچنان که یک دسته بندی نابوشته در تلویزیون به وجود آمد. سریال های الف و ب، الف فاخر و برخی سریال های ویژه روند متفاوت تری از برآورد، متن و تولید را طی می کردند و سریال های هر شیبی در ساختاری متفاوت تر و با توجهی کمتر تولید شدند. نیم تولید هم البته در اینکه کار با چه درجه ای از کیفیت تولید شود، موثر بود. چهره های موثر تر و کاربلدتر زمان بیشتری را برای تولید سریال تقاضای می کردند و تیم هایی که تولیدات سطح پایین تر داشتند، در زمان کوتاهی به خروجی می رسیدند و می رسند. این روند فعلا در تلویزیون ادامه دارد.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید می فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»

«ما پیامبران مان را با دلایل آشکار فرستادیم. همچنین، کتاب های آسمانی را فرستادیم و میزان را؛ تا مردم به عدالت رفتار کنند. و آهن را در اختیار بشر قرار دادیم که مستحکم است و مردم می توانند از آن استفاده های بسیار برند. همه اینها برای اینکه خدا معلوم دارد چه کسانی او و پیامبرانش را در نهان، یاری می کنند. همانا که خدا قوی و عزیز است.»

مقصود از «بیانات» اظهار چیزی از علم و قدرت واهی پروردگار توسط نبی است که دال بر انتساب و اتصال او با پروردگار باشد. یعنی مردم بفهمند این پیامبر از جانب خدا آمده و پیام خدا را برای ایشان آورده است. مقصود از «کتاب» تمام کتب آسمانی است که توسط پیامبران نازل شده. این آیه نشان می دهد کثیری از انبیا دارای کتاب بودند یعنی معارف مستقیم الهی که توسط پیروان ایشان مکتوب و به آن عمل می شده است. مقصود از «میزان» الگوی عملی عمل به کتاب است تا افراط از تقریط باز شناخته شود. میزان اعمال، حجت خدا بر زمین است؛ یعنی نبی یا اوصیای پس از او.

تأملی اجمالی پیرامون عدل و قسط در قرآن

اقامه عدالت به دست مردم؛ غایت نبوت!

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی نیک اقبال *

مختصر البصائر از امام باقر(ع) روایت می کند که میزان، امام است. با عبارت «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» غایت نبوت را که عبارت است از اقامه عدل و قسط بیان کرده. فاعل این اقامه خود مردمنند، یعنی خودشان با توجه به تعالیم لافل کاربرد درست سلاح چنین است و نزولش یعنی انبیا باید اقدام به چنین کاری کنند و ملانکه از آسمان نمی آیند برای شان چنین کاری کنند. مراد از اقامه این «داد» هم فقط در جامعه نیست و در رفتارهای فردی و عالم درون فرد هم هست. یعنی فرد باید الهی شود سپس جامعه هم الهی شود. جامعه معتدل یا مقسط تجمیعی از افراد متعادل و اهل قسط است. این آیه از آیاتی است که مومنان را به بنیان نهادن جامعه ای عادلانه موظف می کند و از این رواج سیاسی ترین آیه قرآن است. وسیله این کار کتاب و میزان و البته در جایش و برای هموار کردن راهش، داغ و درفش است. برخی کتاب و میزان و حدید را با قوای مقننه و قضائیه و اجرائیه تطبیق داده اند. مراد از «حدید» احتمالا مطلق فلزات است، نه فقط آهن مصطلح، چون مناط در همه آنها مشترک است و قوام و شکل پذیری آنها موجب شده که بشود با آنها سلاح و ابزارهای رفاه ساخت. «باس» هم بیشتر به سفتی و

سختی می خورد تا ترس اما چون آن را از «منافع» که تامین رفاه می کند جدا کرده، محتمل است که مراد از آن همان خوبی باشد که از حامل آن سلاح در دل ها می افتد و از تعدی (با تشدید) جلوگیری می شود. یا لافل کاربرد درست سلاح چنین است و نزولش یعنی آفرینشش برای بشر، برای این بوده. قید «بِالْغَيْبِ» در «لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ» کمی نامفهوم است و می تواند چند جور معنا شود؛ از جمله: تا خدا بداند چه کسی در سویدای قلبش با او است و او و پیامبرانش را نصرت می کند. یا: تا خدا بداند چه کسی از جهنم که اکنون غیب است می ترسد و لذا او و پیامبران او را نصرت می کند. یا: تا خدا از پس پرده غیب بداند چه کسی او و پیامبرانش را نصرت می کند. یا: تا خدا بداند چه کسی او و پیامبران و غیبش را نصرت می کند. اما بهترین معنا همان معنای اول است، یعنی ایمان به دین و نصرت آن باید با طیب خاطر باشد تا ارزشمند باشد. اتمام آیه با عبارت «قَوِيٌّ عَزِيزٌ» هم کاملا مناسب مقام

از آن تعبیر می شود به «قسط». قسط به معنای تساوی نیست، چنانکه در تقسیم ارث، تساوی رعایت نمی شود و طبق حکم خدا پسر ۲ برابر دختر نصیب دارد؛ چون چنین حقی را خدا برایش قرار داده است. کلید عدل و تحقق مادی آن یعنی قسط، ۲ چیز است؛ یکی انصاف دیگری، شریعت الهیه. البته شریعت الهیه معمولاً طبق همان انصاف حکم می کند و اگر تقابلی میان آن با انصاف دیده شد، یا برداشت ما از شریعت الهیه نادرست است یا در حکم به انصاف، به جانب احساس متمایل شده و از عقل قدسی فاصله گرفته ایم.

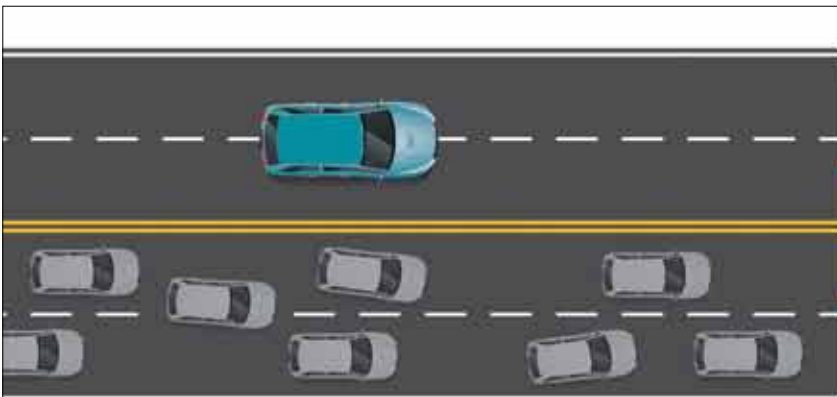
در هر حال در این آیه با اشاره به «مرالله» خواسته به شریعت اشاره کرده باشد تا مفهوم عدل، میزانی هم داشته باشد و در آن اختلاف نشود. البته از سیاق آیه پیداست که مفهوم «عدل» و «قسط» مفهومی وجدانی و شناخته شده توسط انسان است. پس معنای «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» می شود «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَصَفِينَ». «اصلاح به عدل» هم خودش نکته ای است، چون خیلی وقت ها اصلاح های ما طبق مصلحت است، مثلاً به یکی از دو طرف می گویم زورت به طرف دیگر نمی رسد، پس بهتر است کوتاه بیایی! چنین اصلاحی، اگر چه حفظ نفوس می کند اما مرفعه را بر طرف نمی کند و فقط آن را به تعویق می اندازد برای قیامت، لذا حقیقتاً اصلاح نیست. وقتی اصلاح واقعی انجام می شود که هر دو طرف به حکم خدا تسلیم باشند، نه اهل بغی و تعدی.

* مفسر قرآن

@vatanemrooz



در شبکه های اجتماعی



این مسیر تنها متعلق به شماست.

اینترنتی "کاملا" اختصاصی برای کسب و کار شما

رِسپینا

بزرگترین ارائه دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان ها در ایران



شرکت داده پردازی رِسپینا
(سهامی خاص) - شماره ثبت (۱۳۹۱)
دارای پروانه FCP به شماره ۱۸-۴۲-۱۰۰
از بهترین تیم مهندسان و متخصصان

@respinaofficial

www.respina.net

تلفن: ۰۲۱-۹۱۰۷۰۰۰۰